



پیامدهای سیاسی و اقتصادی خروج آمریکا از برجام برای ایران در دوره ترامپ و آغاز دوره بایدن

عقیل نقشبندی - دکتر محمدرضا دهشیری

دکتر گارینه کشیشیان سیرکی - دکتر محمدرضا قائدی



This is an open access article under the CC BY NC SA license: (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0/>) **چکیده**

برجام، موافقتنامه‌ای چندجانبه است که با کار مشترک کشورهای ۵+۱ و ایران پدید آمده است. این توافقنامه دستاورد سیاسی بسیار مهمی در عرصه روابط بین‌الملل با کاربرد دیپلماسی برای ایجاد صلح بوده است، به طوری که انتظار می‌رفت، روند تحولات خاورمیانه را به سوی ثبات هدایت نماید و برای جمهوری اسلامی ایران از منظر سیاسی و ابعاد مختلف امنیتی از جمله امنیت اقتصادی، بسیار مفید باشد و البته به نظر می‌رسد چنین نیز بود و در مدت کوتاه اجرای آن، روند مثبتی دیده شد. با خروج آمریکا توسط دونالد ترامپ از برجام و به کارگیری سیاست فشار حداکثری بر ایران، این اثرات موافقتنامه نیز تا حدود بسیار زیادی متوقف شد. بنابراین پرسش این مقاله آن است که خروج آمریکا از برجام برای جمهوری اسلامی ایران چه پیامدهایی از منظر سیاسی و امنیت اقتصادی داشته است؟ هدف مقاله آن است که تنها بر اثرات سیاسی و اقتصادی این خروج تمرکز نماید. روش تحقیق آن، روش توصیفی و تحلیلی است و نتیجه کلی آن نشان می‌دهد که خروج آمریکا از برجام توسط ترامپ و به کارگیری سیاست فشار حداکثری که تا آغاز دوره بایدن نیز از آن کاسته نشده، موجب شده است تا تهدیدات سیاسی و امنیت اقتصادی در ابعاد مختلف داخلی و خارجی علیه ایران افزایش یافته، با افزایش برخوردها میان کشورهای منطقه خلیج فارس صلح و ثبات در منطقه به خطر افتد و ایران در نگاه به شرق به قدرت‌های بزرگ روسیه و چین نزدیک‌تر شود و از اروپا نیز فاصله گیرد.

کلیدواژه‌گان: برجام، آمریکا، ایران، سیاست، اقتصاد، امنیت، تهدید

- این مقاله برگرفته از رساله دکتری روابط بین‌الملل عقیل نقشبندی با عنوان «خروج آمریکا از برجام و تأثیر آن بر امنیت منطقه خلیج فارس و پیامدهای سیاسی - امنیتی آن بر جمهوری اسلامی ایران» با راهنمایی دکتر محمدرضا دهشیری است.

- گروه روابط بین‌الملل، واحد بین‌الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

- نویسنده مسئول، دانشیار دانشکده روابط بین‌الملل دانشکده وزارت امور خارجه. ایمیل: m.dehshiri@sir.ac.ir

- عضو هیأت علمی گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

- عضو هیأت علمی گروه روابط بین‌الملل، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

مقدمه

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، یک توافقنامه مهم بین‌المللی و دستاور کاربرد دیپلماسی توسط جامعه بین‌المللی است که از یک سو پنج عضو دائم شورای امنیت به عنوان قدرت‌های بزرگ و آلمان به عنوان قدرتی نوظهور و از سوی دیگر، ایران به عنوان یکی از قدرت‌های منطقه‌ای خاورمیانه، در آن مشارکت کرده‌اند. برجام، نمونه‌دستیابی به توافقی برای ایجاد صلح و ثبات در یک منطقه در موضوع حساس برنامه هسته‌ای یک کشور است تا صلح‌آمیز بودن و انحراف نیافتن این برنامه را تضمین کند. با وجود دستاوردهای این برنامه برای جامعه جهانی و ایران، آمریکا در دوره دونالد ترامپ^۱ با ادعای ناکارآمد بودن این توافق برای جلوگیری از حرکت ایران به سوی تولید سلاح هسته‌ای و نیاز به توافقی بهتر، از برجام خارج شد و سیاست فشار حداکثری علیه ایران را برای باگرداندن این کشور به میز مذاکره جهت دستیابی به توافقی بهتر، به اجرا گذارد. این روند تا پایان دوره ریاست جمهوری ترامپ ادامه یافت و از آنجا که از یکجانبه‌گرایی آمریکا در عرصه بین‌المللی ناشی می‌شد و تبعات سیاسی و امنیتی به ویژه در منطقه خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس داشت که تنش‌ها را در آن افزایش داد، انتظار می‌رفت تا راهیابی جو بایدن^۲ به کاخ سفید و توجه دوباره آمریکا به چندجانبه‌گرایی در عرصه بین‌المللی، آمریکا به برجام بازگشته و موجب احیای آن شود تا تهدیدات علیه ایران به و به تبع آن علیه ثبات منطقه‌ای کاهش یابد. با این حال، چنین تغییری توسط دولت جدید آمریکا هنوز پدید نیامده و آمریکا از فشار حداکثری علیه ایران نکاسته است، به گونه‌ای که اثرات مختلف خروج آمریکا از برجام، به ویژه پیامدهای سیاسی و امنیت اقتصادی در ابعاد گوناگون آن برای ایران و منطقه همچنان ادامه یافته است و با این وجود، اقدامات پراکنده دیپلماتیک و امیدهایی برای بازگشت آمریکا به این توافقنامه، همچنان چشم‌انداز احیای آن، تیره است.

اهمیت بررسی این پیامدها از آن جهت است که کل منطقه خاورمیانه به امنیت ملی ایران گره خورده است و بنابراین تهدیدات سیاسی و امنیت اقتصادی علیه ایران، به منطقه نیز سرایت می‌کند و صلح و ثبات در آن را تهدید می‌نماید. به علاوه، این پیامدهای از منظر امنیت ملی و منافع ملی ایران نیز دارای اهمیت بررسی است. پرسش اصلی مقاله این است که خروج آمریکا از برجام برای جمهوری اسلامی ایران چه پیامدهایی از منظر سیاسی و امنیت اقتصادی داشته است؟ فرضیه پاسخ‌دهنده به این پرسش عبارت است از اینکه خروج آمریکا از برجام توسط ترامپ و به کارگیری سیاست فشار حداکثری که تا در آغاز دوره بایدن نیز از آن کاسته نشده، موجب شده است تا تهدیدات سیاسی و امنیت اقتصادی در ابعاد مختلف داخلی و خارجی علیه ایران افزایش

^۱. Donald Trump

^۲. Joe Biden

یافته، صلح و ثبات در منطقه به خطر افتد و ایران در نگاه به شرق به قدرت‌های مثل چین و روسیه نزدیک‌تر شود. روش تحقیق مقاله برای بررسی این فرضیه، روش توصیفی و تحلیلی است که طی آن هم وضعیت پیامدهای سیاسی و امنیت اقتصادی توضیح داده شده و هم مورد تحلیل قرار می‌گیرند. این بررسی با این هدف انجام می‌شود که تنها بر اثرات سیاسی و امنیت اقتصادی خروج آمریکا از برجام تمرکز شود.

۱- پیشنهاد

دهشیری و میرکاظمی در مقاله «سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران در قبال برجام بعد از خروج ایالات متحده آمریکا» (Dehshiri and Mirkazemi, 2020: 163-187) در بهار و تابستان ۱۳۹۹، اشاره کرده‌اند که می‌خواهند سناریوهای پیش‌روی ایران در قبال خروج آمریکا از برجام در چارچوب نظریه‌های روابط بین‌الملل را بیابند و یافته‌های ایشان نشان می‌دهد سه سناریوی محتمل: ماندن در برجام بر اساس دیدگاه کانتی، موجه: خروج تدریجی از برجام بر اساس نگاه هابزی و مطلوب: بازگشت آمریکا به برجام و ایفای تعهدات اقتصادی و بانکی اروپا بر اساس دیدگاه نوکارکردگرایی، در این رابطه قابل پیش‌بینی است. آنها در نهایت سناریوی موجه را دارای قابلیت فعلیت بیشتری می‌بینند. قوت اثر آن است که دلایل مطلوبی را برای وجود هر یک از سناریوها ارائه می‌دهند و ضعف مقاله آن است که رویدادهای بعد از انتشار این مقاله نشان داده که سناریو مدنظر آنان تحقیق نیافته است. نوآوری مقاله حاضر نسبت به این اثر آن است که این سناریوهای قابل پیش‌بینی را بخشی از پیامدهای سیاسی و امنیتی ناشی از خروج می‌بیند. مارک فیتزپاتریک در مقاله «برجام، دو سال پس از خروج: برخورداری آمریکا و خاورمیانه از امنیت و آرامش کمتر» (Fitzpatrick, 2020: 1)، بر این باور است که در حالی که دولت ترامپ خروج خود از برجام و افزایش تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را به عنوان راهی برای صلح خاورمیانه مطرح می‌کند، افزایش خصومت‌های ایران نشان می‌دهد که این اشتباه بوده است. فیتزپاتریک با اشاره به پیامدهای هسته‌ای، اقتصادی و صلح منطقه‌ای، به عنوان یافته خود به این امر اشاره دارد که خروج آمریکا از برجام یک اشتباه بزرگ در سیاست خارجی آمریکا بوده است. نقطه قوت مقاله آن است که سه پیامد هسته‌ای، اقتصادی و صلح منطقه‌ای را بررسی کرده، اما ضعف است که هر مورد را به طور عمیق بررسی نکرده است. نوآوری مقاله حاضر نسبت به این اثر آن است که تلاش کرده، عمق بیشتری به بررسی این پیامدها بدهد.

ساجدی و ساجدی در مقاله‌ای در تابستان ۱۳۹۸ با عنوان «خروج آمریکا از برجام و تلاطم در اقتصاد ایران» (Sajedi and Sajedi, 2019: 123-155)، سعی کرده‌اند به تاثیر خروج آمریکا از

¹. Mark Fitzpatrick

برجام بر بازار سرمایه ایران پردازند. آنها در بررسی پیامد اقتصادی خروج، به این یافته دست یافته‌اند که با خروج و تهدیدهای ناشی از سرگیری تحریم‌های آمریکا، اقتصاد ایران دچار نابسامانی و تغییر و تحول‌های شدیدی شده است که این مسأله به وضوح از زمان از سرگیری تحریم‌ها در بازارهای مالی ایران مشاهده شده است. نقطه قوت اثر آن است که به پیامدهای خروج آمریکا از برجام برای اقتصاد ایران پرداخته‌اند، اما نقطه ضعف مقاله آن است که خلاف ادعای نخست، تنها بازارهای مالی ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند که تنها یک بخش از اقتصاد کشور را شامل می‌شود. نوآوری مقاله حاضر نسبت به این اثر آن است که در زمینه پیامدهای امنیتی اقتصادی، شاخص‌های عمده اقتصادی را مدنظر قرار داده است.

زمانی و نیاکویی در مقاله خود با عنوان «واکاوی عوامل مؤثر بر خروج ایالات متحده آمریکا از برجام» (Zamani and Niyakuei, 2019: 85-110) در بهار ۱۳۹۸، بیان کرده‌اند که تلاش آمریکا برای خروج از برجام، برنامه‌ای بود که دونالد ترامپ از زمان شرکت در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سر داشت. ترامپ پس از خروج، برای انجام مجدد مذاکرات در صورت تمایل ایران، اعلام آمادگی نمود. یافته‌های ایشان نشان می‌دهد بنیادهای سیاست خارجی ترامپ، ثابت ماندن ماهیت تهدیدآمیز از ایران بعد از برجام و ایجاد فهم و انگاره مشترک میان ایالات متحده، اسرائیل و عربستان بر سر تهدید دانستن ایران، تفسیر آنها از نقش برجام در تقویت حضور منطقه‌ای ایران و نادیده انگاشته شدن این موضوع در متن برجام و از بعد داخلی، کنش پسابرجامی جمهوری اسلامی ایران را باید از جمله متغیرهای اساسی در تصمیم ترامپ بر خروج ایالات متحده از برجام دانست. نقطه قوت اثر آن است که تلاش کرده تا عوامل مختلف این خروج را مورد واکاوی قرار دهد و نقطه ضعف مقاله بررسی تعدد عوامل دخیل در خروج است که از عمق این بررسی کاسته است. نوآوری مقاله حاضر نسبت به این اثر آن است که به طور عمیق تلاش می‌کند بر پیامدهای سیاسی و امنیت اقتصادی ناشی از خروج متمرکز شود.

۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

در این بخش از مقاله، تلاش می‌شود، چارچوب مفهومی و مبانی نظری برای مقاله فراهم آید.

۲-۱- چارچوب مفهومی

برنامه جامع اقدام مشترک که به طور مخفف برجام نامیده می‌شود، موافقتنامه‌ای است که در مورد برنامه هسته‌ای ایران میان این کشور و قدرت‌های بزرگ موسوم به ۵+۱ (پنج عضو دائم شورای امنیت و آلمان) به امضا رسید. بر اساس این توافقنامه بین‌المللی که با قطعنامه ۲۲۳۱ در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ شورای امنیت ملل متحد همراه شد، «شورای امنیت تأیید کرد برجام یک تغییر اساسی

¹. Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)

در بررسی مسأله هسته‌ای ایران است. ... اجرای کامل برجام به ایجاد اطمینان در ماهیت منحصر صلیح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران کمک خواهد کرد ... و برای عادی‌سازی و ارتقا همکاری با ایران مفید است» (United Nations Security Council, 2015: 1).

مفهوم دیگر، خروج از برجام است که با آن دوره پس‌برجام آغاز شده است. پس از گذشت بیش از دو سال از اجرای برجام، دولت دونالد ترامپ در اقدامی بی‌سابقه، در ۸ می ۲۰۱۸ به صورت یک‌جانبه از برجام خارج شد و تحریم‌های یکجانبه پیشین آمریکا علیه ایران را بازگرداند» (Salehi and et.al., 2019: 133). به این دوره، دوره پس‌برجام گفته می‌شود که با سیاست فشار حداکثری بر ایران دنبال شد و در نهایت با به‌کار انداختن سازوکار ماشه (تحریم‌های ملل متحد) باز هم به طور یکجانبه توسط دولت ترامپ پی گرفته شد. با وجود روی کار آمدن دولت جدید در آمریکا با انتخاب جو بایدن، همچنان آمریکا به برجام بازنگشته و بنابراین هنوز دوره پس‌برجام ادامه یافته است.

۲-۲- مبانی نظری: واقع‌گرایی تهاجمی

نظریه واقع‌گرایی تهاجمی در روابط بین‌الملل، توسط جان میرشایمر آیدید آمده، این نظریه با امنیت نیز در پیوند است. نظریه واقع‌گرایی تهاجمی بخشی از رویکرد ساختاری نوواقع‌گرایی^۱ به روابط بین‌الملل است (Pribadi, 2013: 32). میرشایمر، «معتقد است که دولت‌ها در نظام بین‌الملل به گونه‌ای تهاجمی عمل می‌کنند و جستجوی قدرت توسط دولت‌ها حدودمرزی ندارد. ... واقع‌گرایان تهاجمی استدلال می‌کنند که دولت‌ها همیشه باید در جستجوی فرصت جهت کسب منابع قدرت بیشتر باشند و باید چنین راهبردی را هر زمانی که ممکن است به‌کارگیرند. دولت‌ها همیشه باید در پی حداکثرسازی قدرت باشند و هدف نهایی آن نیز باید هژمونی باشد، چراکه این تنها راه بقای دولت‌هاست» (Khorasani Esmaeili and et.al., 2019: 118). دولت‌ها از این طریق در جهانی هرج‌ومرج‌وار می‌توانند امنیت خود را تأمین کنند، دولت‌ها در این نظریه با افزایش امنیت خود در سیاستی تجدیدنظرطلبانه که قدرت‌های بزرگ بیشتر در پی آن هستند، موجب کاهش امنیت بازیگران دیگر می‌شوند. «دولت‌ها پیوسته تهدیدگر امنیت یکدیگر هستند. با تهدید امنیت، منافع آنها به طورسازش‌ناپذیری در تضاد با هم قرار می‌گیرد. بنابراین در وضعیت هرج‌ومرج روابط جهانی، منازعه میان آنان، غیرقابل پیشگیری است، به طوری که منابع خود را در این راستا به کار می‌گیرند» (Shiping, 2010: 156).

بنابراین، نه تنها قدرت‌های بزرگ در پی افزایش قدرت خود در ساختار پرهرج‌ومرج نظام

¹. Offensive Realism

². John Mearsheimer

³. Neo-Realism

بین‌الملل هستند، قدرت‌های منطقه‌ای نیز تلاش می‌کنند تا با افزودن بر قدرت خود، بر منطقه خویش مسلط باشند. آنها نیز به‌نوبه خود، ساختارهای منطقه‌ای را که بخشی از ساختار کل نظام هستند تحت تأثیر قرار داده و رقبای منطقه‌ای را به سوی اتخاذ راهبردهای مشابه سوق می‌دهند. این وضعیت، قدرت‌های بزرگ حاضر در منطقه را نیز بیشتر تحریک کرده و در نهایت به بیان میرشایمر، «معمای امنیت»^۱ شکل می‌گیرد. معمای امنیت، منطق اساسی واقع‌گرایی تهاجمی را بازتاب می‌دهد؛ چرا که اساس آن بر این امر استوار است که به میزانی که یک دولت می‌کوشد تا امنیت خود را افزایش دهد، معمولاً، امنیت دیگر دولت‌ها را کاهش می‌دهد؛ از این‌رو، برای یک دولت بسیار سخت خواهد بود تا شانس خود را برای بقای خویش، بدون بقای دیگران تضمین کند» (Mearsheimer, 2014: 34).

در مورد خروج آمریکا از برجام و پیامدهای سیاسی و امنیت اقتصادی آن برای ایران، نظریه واقع‌گرایی تهاجمی از این جهت انتخاب شد که ترامپ در سیاست «عظمت را دوباره به آمریکا برمی‌گردانیم»^۲ (Martosko, 2015: 1) تلاش کرد به عنوان یک قدرت بزرگ که جایگاه خود را در رقابت با چین در خطر می‌بیند، برای تثبیت قدرت خود در منطقه خلیج فارس، در برجام، به عنوان یک معاهده ضعیف، تجدیدنظر کند و با آوردن ایران به مذاکرات جدید با سیاست تهاجمی فشار حداکثری، هژمونی خود را به نمایش گذاشته و امنیت خود را در منطقه‌ای پرهرج‌ومرج افزایش دهد. آمریکا با این سیاست خواست افزایش امنیت خود، امنیت ایران را کاهش داد و ایران نیز به اتخاذ سیاستی تهاجمی، به عنوان پیامد خروج آمریکا از برجام، ترغیب کرد.

۳- تاریخچه‌ای از اقدامات دارای اثر سیاسی - امنیتی آمریکا بر ایران

پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷/۱۹۷۹) روابط ایران و آمریکا، از اتحاد به دشمن، تغییر وضعیت داد. اگرچه اقدامات آمریکا در دوره اتحاد با ایران به ویژه از کودتای ۱۳۳۲ تا انقلاب مؤثر بود، اما از آنجا که دو کشور در اتحاد با یکدیگر بودند، وزن آثار منفی سیاسی و امنیتی این اقدامات بر ایران، کمتر بود. اما پس از انقلاب اسلامی، با حادثه سفارت آمریکا در تهران، این اقداماتی با آثار منفی آغاز شد و به شکلی فزاینده، تداوم یافت. یکی از مهم‌ترین این اقدامات، حمایت از عراق در آغاز جنگ تحمیلی بود، به طوری که «عراق با مشاهده وضعیت ناپسامان ایران بعد از انقلاب اسلامی و با تحریک آمریکا، تهاجمی گسترده و غافلگیرانه را علیه ایران آغاز کرد»

¹. Security Dilemma

². Make America Great Again

(Biglari and Araghi, 2015: 159) و تا پایان جنگ نیز از آن حمایت کرد، حتی آمریکا هوایمای مسافربری ایرانی را در پایان جنگ سرنگون نمود «در ۳ ژوئیه ۱۹۸۸، فرمانده ناو وینسنس، دستور سقوط هوایمای مسافربری ایرانی پرواز ۶۵۵ را بر فراز تنگه هرمز صادر کرد و باعث کشته شدن ۲۹۰ نفر از شش کشور شد» (Lynch, 2020 A: 1)، اقدامی که خلاف تمامی قوانین حقوق بین‌الملل بود. اگر جنگ علیه یک کشور را مهم‌ترین تهدید امنیتی و سیاسی علیه یک کشور باشد، آمریکا این تهدید را به صورت غیرمستقیم بر ضد ایران، به انجام رسانده است. ایالات متحده نه تنها، از جنگی تمام‌عیار علیه ایران حمایت کرد، بلکه پس از حادثه سفارت خود را تهران، تحریم‌هایی را علیه ایران وضع نمود و آنها را به‌طور فزاینده‌ای تا حال حاضر (۲۰۲۱) تداوم بخشید. «نخستین تحریم‌های که دارایی‌های ایران را در بانک‌ها و شرکت‌ها آمریکایی را مسدود کرد، مربوط به قانون «اعمال قدرت در شرایط اضطراری اقتصادی بین‌المللی» در ۱۹۸۱ بود» (Torbat, 2005: 407-434). چند سال بعد، آمریکا تحریم‌های خود را با ادعای دست داشتن ایران در انفجار مقر تفنگداران دریایی بیروت، افزایش داد. «در دهه ۱۹۹۰، تحریم‌های یکجانبه این کشور با تغییر قانون تحریم‌های لیبی-ایران، به تحریم ایران، افزایش یافت» Gov (Track US, 2014: 1). در سال ۱۹۹۶ با خروج لیبی از شمول آن، این قانون به قانون داماتو،^۳ موسوم شد که در دوره بیل کلینتون،^۴ سرمایه‌گذاری بیش از ۲۰ میلیون دلار را در صنایع نفتی ایران منع کرد (Macaluso, 2015: 6). در دوران جورج دبلیو بوش،^۵ «قانون حمایت از آزادی ایران» تحریم‌ها آمریکا را با هدف مخالف با تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی، حمایت از دموکراسی و تغییر رژیم ایران، افزایش داد» (Iran Freedom and Support Act, 2005). یک سال بعد، در ۲۰۰۶، بوش فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ را برای توقیف دارایی‌های افراد مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران صادر کرد. در ژوئن ۲۰۱۰ نیز، باراک اوباما «قانون جامع تحریم‌ها، پاسخگویی و عدم سرمایه‌گذاری ایران»^۶ و همچنین قانون دیگری با عنوان «قانون جامع تحریم‌ها، مسئولیت‌پذیری و محرومیت ایران» (Bureau of Public Affairs Department of State, 2011) را به تصویب کنگره رساند، اوباما همچنین فرمان‌های اجرایی ۱۳۵۵۳ (سپتامبر ۲۰۱۰)، ۱۳۵۷۴ (مه ۲۰۱۱)، ۱۳۵۹۰ (نوامبر ۲۰۱۱) صادر کرد. این قوانین و فرامین تحریمی یکجانبه، در راستای برنامه

¹. International Law

^۲. در این میان البته باید ماجرای ایران‌گیت را یک استثنا به‌شمار آورد.

³. D'AMATO or Iran Sanction Act (ISA)

⁴. William Jefferson (Bill) Clinton

⁵. George W. Bush

⁶. CISADA

هسته‌ای ایران بود و تحریم‌ها علیه ایران را به شدت افزایش داد. در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱ نیز آمریکا نظام بانکی ایران را بر اساس بخش ۳۱۱ قانون میهن‌پرستی ایالات متحده (US Department of the Treasury, 2011) برای جلوگیری از پولشویی توسط ایران تصویب کرد. یک سال بعد نیز بخش ۱۲۴۵ قانون اختیارات دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۲، شرکت‌های خارجی را برای توقف معاملات با ایران، زیر فشار قرار داد. این تحریم‌های یکجانبه آمریکا، پیامدهای سیاسی و امنیت اقتصادی زیادی برای ایران داشت.

به علاوه آمریکا از سال ۲۰۰۶، بر اساس فعالیت‌های هسته‌ای ایران، تلاش کرد تا اجماعی جهانی را علیه ایران پدید آورد که از ارجاع پرونده ایران از شورای حکام آژانس بین‌المللی شورای امنیت تا صدور قطعنامه‌های تحریمی شدید علیه ایران را در بر گرفت. از ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸، پنج قطعنامه با شماره‌های ۱۶۹۶ و ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ و ۱۸۳۵ (۲۰۰۸) در شورا علیه ایران صادر شد. اما مهم‌ترین قطعنامه، قطعنامه ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) بود (Macaluso, 2015: 7). به طوری که وزارت امور خارجه آمریکا در سال ۲۰۱۱ اعلام نمود: «از نظر ما تحریم‌هایی که از طریق قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت تصویب شده‌اند، نه تنها فشارهای سختی را به حکومت ایران تحمیل نموده‌اند، بلکه برای ما یک منشور رفتاری ایجاد کرده که از طریق هماهنگی رفتاری با هم‌تایان خود بتوانیم به فشار علیه ایران ادامه دهیم» (US Department of State, 2014). مجموعه این تحریم‌های یکجانبه و بین‌المللی که پیامدهای شدید سیاسی و امنیتی (ابعاد مختلف از جمله اقتصادی و نظامی) برای ایران داشت، در نهایت منجر به مذاکرات برجام و ایجاد این موافقتنامه بین‌المللی برای پایان دادن به تحریم‌های بین‌المللی و تحریم‌های هسته‌ای آمریکا شد. با این حال، آمریکا حتی با از میان رفتن تحریم‌های بین‌المللی توسط قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت (قطعنامه اجرایی شدن برجام) تعدادی از تحریم‌های یکجانبه خود علیه ایران را، با این بیان که این موارد تحریم‌های غیرهسته‌ای هستند، نگاه داشت.

۴- پیامدهای سیاسی و امنیت اقتصادی خروج آمریکا از برجام برای ایران

خروج آمریکا از برجام برای ایران پیامدهای مختلفی داشته است، از جمله پیامدهای سیاسی و امنیتی. این پیامدهای سیاسی را می‌توان به دویخش خارجی و داخلی تقسیم کرد و در مورد امنیت نیز، با توجه به متنوع شدن حوزه‌ها امنیت در مطالعات نوین روابط بین‌الملل و حجم مقاله، تلاش شده است تا تنها بر امنیت اقتصادی ایران به عنوان پیامدی از خروج آمریکا از برجام تمرکز شود.

۴-۱- ایران و پیامدهای سیاسی خروج آمریکا از برجام

پیامدهای سیاسی خروج آمریکا از برجام را می‌توان در دو بعد خارجی و داخلی مورد بررسی قرار داد. از آنجا که حوزه داخلی آن با امنیت اقتصادی گره خورده است که موضوعی بیشتر

داخلی است، بنابراین در این بخش بر بعد خارجی آن تمرکز می‌شود. خروج آمریکا از برجام در ۸ می ۲۰۱۸ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷) همراه با این موضع‌گیری دولت آمریکا بود که راه مذاکره با ایران باز است. با این خروج، آمریکا به طور همزمان همه تحریم‌های هسته‌ای خود را که با برجام لغو شده بود، بازگرداند. با این حال «اگرچه پمپو وزیر خارجه وقت آمریکا برای مذاکره با ایران دوازده شرط را پس از خروج بیان کرده بود، ترامپ دو هفته بعد از آمادگی گفتگو با ایران و به دنبال تغییر رژیم در ایران نبودن، سخن گفت. پمپو در دوم ژوئن ۲۰۱۹، اعلام کرد ما آماده گفتگو بدون هیچ پیش‌شرطی هستیم. اما تلاش آمریکا برای معکوس کردن اساس فعالیت‌های بدخیم ایران در منطقه ادامه خواهد یافت» (Wong, 2019: 1). پیامد این اظهارات به شدت متناقض، با این واکنش ایران همراه بود که آمریکا باید به برجام بازگردد. پس از گذشت چند ماه رئیس‌جمهوری روحانی در مهر ۱۳۹۸ با بیان دوباره اینکه: «آمریکا با خروج از برجام اشتباه بزرگی مرتکب شد. ... هر زمان در چارچوبی که اعلام کردیم، تحریم‌ها برداشته شود و شرایط برای مذاکره ۵+۱ واقعی آماده باشد، آماده‌ایم در آن اجلاس شرکت کنیم» (Rohani, 2019: 1). اگرچه روحانی با گزارشی از وضعیت اقتصادی ایران، آن را مطلوب ارزیابی کرده بود، اما آثار تحریم‌های جدید آمریکا در حال ظهور بود و این کشور نیز، فشار را بر کشورهای دیگر جهت همکاری با تحریم‌ها علیه ایران به طوری فرایند‌ای افزایش داد. در چارچوب سیاست فشار حداکثری^۱ شامل «فرمان اجرایی ۱۳۸۴۶ ترامپ^۲ (۶ آگوست ۲۰۱۸/۱۵ مرداد ۱۳۹۷) و دستورالعمل اجرایی اعمال تحریم‌ها علیه ایران^۳ (۲۴ ژوئن ۲۰۱۹/۳ تیر ۱۳۹۸)» (US Department of State, 2021: 1)، اگرچه این تحریم‌ها در دو مرحله اعمال شد، اما عرصه وسیعی از تمامی موارد قابل تحریم علیه ایران را دربرگرفت. این دو دستور، دست مقامات آمریکایی به‌ویژه در وزارت خزانه‌داری را برای اعمال انواع تحریم‌ها باز کرد. این تحریم‌ها شامل جلوگیری از تبادلات مالی در همه زمینه‌ها، تحریم صدور نفت، توقیف اموال، محدودیت سفر دیپلمات‌های ارشد، و به علاوه اقدام به ترور سردار قاسم سلیمانی (Lynch, 2020 B: 1) است که آن را نیز باید در چارچوب همین سیاست فشار حداکثری در نظر گرفت. این تحریم‌ها نه تنها از طرف آمریکا به اجر درآمد، بلکه آمریکا تهدید کرد همه کشورها و شرکت‌هایی را که این تحریم‌ها را نادیده بگیرند نیز چون گذشته مورد تعقیب و جریمه قرار می‌دهد.

¹. Maximum Pressure

². Executive Order 13846; Reimposing Certain Sanctions with Respect to Iran

³. Executive Order Imposing Sanctions with Respect to Iran

^۴. برای دیدن فهرست کامل تحریم‌های آمریکا علیه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون، جدول زمانی تحریم‌ها در صفحه ایران آغازگر را در مؤسسه صلح ایالات متحده مشاهده کنید:

ترامپ که سیاست یکجانبه‌گرایی را تعقیب می‌کرد، در چارچوب سیاست فشار حداکثری در پی خروج از برجام، از قدرت اجبار علیه ایران بهره برد که شامل «تحریم‌های اقتصادی، ممنوعیت تسلیحاتی و فناوری، بهره‌گیری از ابزار انرژی، رهگیری دریایی، حمایت از مخالفان رژیم و عملیات سایبری تهاجمی» (Alikhani, 2020: 67) می‌شد.

اما از آنجا که خروج یکجانبه، با مخالفت طرف‌های دیگر برجام، اتحادیه اروپا، روسیه و چین، همراه بود با مخالفت اعضای حاضر آن در برجام روبه‌رو شد و «اروپا تلاش کرد تا آن را نگاه دارد» (BBC, 2018: 1). در این میان، ایران تلاش می‌کرد تا از شکاف میان دوسوی آتلانتیک به نفع خود بهره برد و کشورهای اروپایی را به دور شدن بیشتر از سیاست‌های آمریکا در قبال توافق هسته‌ای و نپوستن به تحریم‌های آن ترغیب کند، اروپا نیز تلاش می‌کرد تا ایران به اجرای تعهدات خود در چارچوب برجام ادامه دهد.

پیامد افزایش فشارهای تحریمی در سیاست فشار حداکثری و ناتوانی اروپا از اجرای تعهدات برجامی خود، که با تهدیدات ایران برای افزایش توان هسته‌ای خویش همراه بود، موجب شد تا ایران و اروپا برای جلوگیری از فشار تحریم‌ها اقتصادی و نفتی، در مذاکرات خود به راه‌حل ایجاد اینستکس^۱ در ژانویه ۲۰۱۹ (بهمن ۱۳۹۷) دست یابند، که ابزار اقتصادی-سیاسی اروپا و ایران در برابر آمریکا به شمار می‌آمد. اما حتی این ابزار نیز مورد مخالفت آمریکا قرار گرفت. در گزارش کنگره آمریکا درباره تحریم‌های ایران آمده است: «کشورهای اتحادیه اروپا، عیلرغم اینکه ایران تعهدات هسته‌ای خود را نقض کرده است و به‌رغم سیاست فشار حداکثری ترامپ، به حمایت از برجام ادامه می‌دهند. ... اتحادیه اروپا در تلاش است از شرکت‌های اروپایی در برابر تحریم‌های مجدد آمریکا محافظت کند. ... اینستکس اولین معامله خود را در حدود ۵۴۰ هزار دلار تجهیزات پزشکی انجام داده است» (Congressional Research Service, 2020: 44). با وجود مخالفت آمریکا و سخت‌تر کردن تحریم‌ها، این ابزار نیز نتوانست کارکرد زیادی داشته باشد و پیامد آن این بود ایران راهبرد دیگری را در پیش گرفت.

در راهبرد جدید هسته‌ای در دوره پس‌ابرجام، پس از اینکه ایران نتوانست از طریق اینستکس به امتیازهای اقتصادی دست یابد، رئیس‌جمهور روحانی از ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ (۸ می ۲۰۱۹) پنج گام کاهش تعهدات برجامی را اعلام کرد و در همین سال به اجرا درآورد: «اول، توقف فروش ذخایر اورانیوم غنی‌شده و ذخایر آب سنگین (۱۸ اردیبهشت)؛ دوم، عبور از غنی‌سازی ۳،۶۷ (۱۶ تیر)؛ سوم، لغو محدودیت‌های تحقیق و توسعه (۱۳ شهریور)؛ چهارم، گازدهی در فردو (۱۴ آبان)؛ پنجم، توقف تمام محدودیت‌های عملیاتی ایران در برجام (۱۵ دی)» (Tasnim, 2020: 1).

¹. Instrument in Support of Trade Exchanges (INSTEX)

آخرین گام دارای اهمیت بسیار بود، چرا که آمریکا در ۳ ژانویه ۲۰۲۰ (۱۳ دی ۱۳۹۸) در اقدامی خلاف تمامی قوانین بین‌المللی سپهبد قاسم سلیمانی را در فرودگاه بین‌المللی بغداد با موشک پهبادی ترور کرد و ایران باید پاسخی جدی به آن می‌داد. نخستین پاسخ و پیامد این اقدام، اجرای گام پنجم و سپس حمله موشکی ایران به پایگاه آمریکایی عین‌الاسد (۱۸ دی ۱۳۹۸) بود.

در واکنش اروپا به این راهبرد کاهش تعهدات برجامی، در گزارش پارلمان اروپا آمده است: «ایران کشورهای عضو اتحادیه اروپا را متهم می‌کند که در برابر فشارهای آمریکا برای منزوی کردن ایران ایستادگی نکرده‌اند و برای نجات برجام اقدامات کافی انجام نداده‌اند. اتحادیه اروپا از طرف خود نگران فعالیت‌های غنی‌سازی ایران است. تنش‌های فزاینده در منطقه و نقش ایران در این زمینه، از جمله ارائه پشتیبانی نظامی، مالی و سیاسی از بازیگران غیردولتی در کشورهایی مانند عراق، لبنان، سوریه و یمن، و برنامه موشکی بالستیک آن است» (European Parliament, 2020: 1).

در سال ۱۳۹۹ نیز ایران در واکنش به افزایش تحریم‌ها، به توسعه توان هسته‌ای خود پرداخت و البته، آمریکا هم در سیاست فشار حداکثری نتوانست تحریم‌های تسلیحاتی ایران را در شورای امنیت بر اساس برجام، تمدید نماید (۱۸ اکتبر ۲۷/۲۰۲۰ مهر ۱۳۹۹). این مسأله و گام‌های کاهش تعهدات، موجب شد تا اسرائیل احساس تهدید امنیتی کند و در ۲۷ نوامبر ۲۰۲۰ (۷ آذر ۱۳۹۹) در اقدامی که مسئولیت آن را نپذیرفت، پدر برنامه هسته‌ای ایران، محسن فخری‌زاده، را هدف حمله قرار داده و ترور نماید، امری که بر عزم ایران برای تداوم این راهبرد افزود.

چنانچه در گزارش پارلمان اروپا نیز آمده، یکی دیگر از پیامدهای خروج آمریکا از برجام، سیاست افزایش نفوذ ایران در منطقه بوده است. این وضعیت نیز به تنش‌های زیادی در منطقه، به‌ویژه در خلیج فارس میان ایران و عربستان، امارات و... منجر شده است که روابط تازه‌ای را نیز در برابر ایران، در اتحاد با اسرائیل آغاز کرده‌اند.

یکی دیگر از پیامدهای سیاسی خروج آمریکا از برجام، نزدیک شدن بیشتر ایران قدرت‌های بزرگ روسیه و چین است تا امنیت ملی خود را افزایش دهد. ایران و روسیه، «بعد از قدرت‌یابی پوتین، روابط دو کشور تحت تأثیر دکترین اوراسیاگرایی پوتین و تغییرات معادله قدرت در منطقه آسیای جنوب غربی، در زمینه‌های امنیتی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ارتقا یافته است» (Mohammadi & Javdani, 2020: 1). این روابط به‌ویژه در مورد بحران سوریه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. ایران به روسیه به عنوان شریکی راهبردی می‌نگرد که از توان آن می‌تواند برای کاهش فشارهای آمریکا بهره برد. یکی دیگر از این پیامدهای سیاسی، نزدیک شدن ایران به چین است. ایران در سیاست نگاه به شرق خود، برای چین که به نظر می‌رسد تا ۲۰۳۰، به قدرت اقتصادی اول جهان تبدیل شود و جای آمریکا را بگیرد، جایگاه ویژه‌ای قائل است. به طوری که

در سفر رئیس‌جمهور شی‌جین‌پینگ^۱ به ایران (بهمن ۱۳۹۴)، دو کشور بر عزم جدی خود برای برقراری روابط راهبردی تأکید کردند. ایران نه تنها در طرح «کمر بند و جاده» چین، یک مسیر مطلوب به شمار می‌آید، بلکه این کشور به «ایران و کشورهای نفتی خلیج فارس به‌عنوان بخش مهمی از تأمین‌کنندگان انرژی کشورهای جهان، برای تداوم رشد اقتصادی خود، نگاه می‌کند» (Hedayati & Ramazanpoor, 2019: 87). افزون بر این، چین در پی ایجاد یک پایگاه در منطقه خلیج فارس است و ایران را مناسب یافته، به طوری که یک سند همکاری میان دو کشور تنظیم شده تا چین ۴۰۰ میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری انجام دهد. این سند تفاهم که تنها پیش‌نویس آن منتشر شده است، قرار است میان ایران و چین به امضا برسد و پس از اجرایی شدن، اتحادی راهبردی میان آنها ایجاد کند.

۲-۴- خروج آمریکا از برجام و پیامدهای آن بر امنیت اقتصادی ایران

یکی از پیامدهای مهم خروج آمریکا از برجام، اثر آن بر اقتصاد این کشور بوده است. «اقتصاد ایران دچار تحول‌های شدیدی شده است که این مسأله به وضوح در ۱۳۹۷ در بازارهای مالی ایران و ... بازار بورس مشاهده شد» (Sajedi and Sajedi, 2019: 142-151) و در سال‌های بعد نیز با شدت بیشتری ادامه یافت، به طوری که باعث سقوط بی‌سابقه ریال در برابر ارزهای جهانی گردید. این وضعیت، دو دلیل عمده داشت: یکی اینکه آمریکا دسترسی ایران را به مبادلات مالی از طریق تهدید بانک‌های جهان به مجازات، به شدت کاهش داده بود و دوم، موجب کاهش شدید صادرات نفت ایران شد.

پس از خروج از برجام، مقامات آمریکا، شروع به وارد کردن فشار به همه کشورها برای همکاری با تحریم‌ها علیه ایران کردند، تا صادرات نفت ایران را به صفر برسانند، سیاستی که نمی‌توانست واقعا اجرا شود، اما توانست صدور نفت ایران را به حداقل برساند. در ۲۰۱۵، که توافق برجام به امضا رسید، صادرات نفت خام ایران ۱٫۸ میلیون بشکه در روز بود، که تا ۲۰۱۷ به ۲٫۱۲ میلیون بشکه می‌رسد، اما در ۲۰۱۸ (خروج آمریکا) به ۱٫۸ میلیون بشکه و سپس در ۲۰۱۹ به ۶۵۱ هزار بشکه در روز، می‌رسد (OPEC, 2019: 1). این رقم در سال ۲۰۲۰ به ۵۰۰ هزار بشکه روز رسیده است (International Monetary Fund, 2020: 1). البته آمارهای غیررسمی کاهش تا ۱۰۰ هزار بشکه را نیز بیان می‌کنند. در این بین، برخی از کشورها همچون چین، هند، کره جنوبی و... از وزارت خزانه‌داری آمریکا اجازه گرفتند که ورود نفت خام از ایران را به تدریج کاهش دهند. این کشورها با وجود چنین اجازه‌ای نفت از ایران دریافت کردند، با این حال به علت تحریم‌های مالی آمریکا، این کشورها درآمدهای نفتی ایران را در بانک‌های خود بلوکه کردند و

¹. Shi Jin Ping

حاضر به پرداخت آنها نشدند. برای نمونه در مورد کره جنوبی که بیش از ۹ میلیارد دلار ایران را توقیف کرده است، روابط دو کشور تیره شده و «ایران نفتکش هانکوک چمی را در خلیج فارس به دلیل نقض پیمان زیست محیطی دریایی توقیف کرد» (Euronews Persian, 2021: 1). با خروج آمریکا از برجام، به نظر می‌رسد امنیت انرژی جهانی تهدید شده و قیمت نفت افزایش یابد، اما با تبدیل شده ایالات متحده به بزرگ‌ترین صادرکننده، افزایش تولید عربستان سعودی و آغاز بحران کرونا^۱ از ۶۹ دلار در ۲۰۱۸ به ۶۴ دلار در ۲۰۱۹ و ۴۱ دلار در ۲۰۲۰ سقوط کرد» (OPEC Oil Price Annually, 2021: 1). این وضعیت در کنار شیوع کوید ۱۹ در سراسر جهان، به شدت روی درآمدهای نفتی ایران اثر گذارد و موجب شد تا دولت با کسری بودجه شدیدی روبه‌رو شود. به طوری که نرخ برابری ریال در برابر دلار، جهت تأمین این کسری بودجه به شدت افزایش یافت و تنها در ۲۰۲۰ از ۱۴۰ هزار ریال در ژانویه برای هر دلار به رقم ۳۳۰ هزار ریال در اکتبر افزایش یافت و سپس با تزریق روزانه ۵۰ میلیون دلار به بازار، با کاهش به رقم ۲۶۵ هزار ریال در دسامبر ۲۰۲۰ رسید (Rome, 2020: 1).

وابستگی بودجه ایران به درآمد نفتی، دولت این کشور را به دولتی تحصیلدار، تبدیل کرده و هرچند تلاش‌های زیادی صورت گرفته تا وابستگی به این درآمد کاهش یابد، اما تحریم‌های آمریکا با خروج از برجام موجب شد تا ایران دچار کسری بودجه شدیدی شود و در پی آن نرخ تورم نیز افزایش یابد. نرخ تورم که در ۲۰۱۶ پس از امضای برجام به ۹٫۱٪ رسیده بوده است، به ترتیب این ارقام را تجربه کرد: ۹٫۶٪ (۲۰۱۷) که زمزمه خروج آمریکا از برجام شنیده می‌شد، ۳۱٫۲٪ (۲۰۱۸) در پی خروج آمریکا از برجام، ۴۱٪ (۲۰۱۹)، ۵۰٫۵٪ (۲۰۲۰) و پیش‌بینی ۳۰ درصدی در ۲۰۲۱ (IMF, 2020: 1). با اینکه تولید ناخالص داخلی^۲ در ۲۰۱۲، ۵۹۸٫۸ میلیارد دلار بود، در اثر فشار تحریم‌های بین‌المللی تا ۲۰۱۵ که برجام امضا شد به ۳۸۴٫۹ میلیارد دلار کاهش یافت، اما با امضای برجام تا ۲۰۱۷ با رشد مثبت به این رقم به ۴۴۵٫۳ میلیارد دلار در سال بعد رسید (The World Bank, 2020: 1).

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ایران طبق برآورد صندوق بین‌المللی پول^۳ در ۲۰۱۷، ۳٫۹٪، در ۲۰۱۸ (خروج آمریکا از برجام) برابر ۵٫۴٪-، در ۲۰۱۹ برابر ۶٫۵٪-، در ۲۰۲۰ برابر ۵٪- بوده و پیش‌بینی این نرخ در ۲۰۲۱، معادل ۳٫۲٪ می‌باشد» (Rome, 2020: 1). به نظر، خروج آمریکا از برجام از ۲۰۱۸ موجب کاهش تولید ناخالص داخلی ایران شده است و البته شیوع کرونا هم در

¹. See: Iran Economic Monitor (2020). World Bank Group, Spring, at: <http://documents1.worldbank.org/curated/en/676781543436287317/pdf/Iran-Economic-Monitor-Weathering-Economic-Challenges.pdf>

². Rentier State

³. Gross Domestic Product (GDP)

⁴. International Monetary Fund (IMF)

این ارتباط مؤثر بوده است. اما پیش‌بینی رشد ۳٫۲٪ و کاهش تورم برای ۲۰۲۱ از سوی این صندوق، حاکی از آن است که ایران راهبردهایی را برای تقویت اقتصاد ملی خود در دوره تحریم‌ها در پیش گرفته است که در ۲۰۲۱، نتیجه آن ظهور خواهد یافت.

راهبرد اصلی ایران برای مقابله با شرایط تحریمی، اقتصاد مقاومتی است. این سیاست کلان توسعه اقتصادی دورن‌زای برون‌گرا نام گرفته است که طی آن تلاش می‌کند در زمینه اقتصادی خود کفا شود و وابستگی خود را به اقتصاد تک‌محصولی وابسته به قیمت‌های جهانی نفت، قطع کند. طبق نظر مقام معظم رهبری «ما باید اقتصادمان را جوری تنظیم کنیم ... که با رفتن و آمدن تحریم و با بازیگری‌های دشمن، در اقتصاد دچار مشکل نشویم. ... ما این را به صورت یک سیاست ابلاغ کردیم که همان سیاست اقتصاد مقاومتی است» (Iran Supreme Leader, 2021: 1). برای نمونه در این راهبرد، ایران تلاش کرده است با وجود تحریم‌های مالی و حضور در لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی^۱ صادرات غیرنفتی خود را افزایش دهد. «در سال ۲۰۲۰ توانست صادرات غیرنفتی خود را با وجود تحریم مالی به بیش از ۳۰ میلیارد دلار برساند. در عین حال واردات غیرنفتی آن هم بیش از ۳۳ میلیارد دلار بوده است که تراز تجاری نزدیک به منفی ۳ میلیارد دلار را در این بخش نشان می‌دهد» (Rome, 2020: 1)، با این حال یک پیشرفت برای صادرات غیرنفتی ایران محسوب می‌شود که نشان‌دهنده نزدیک به موفقیت بودن این راهبرد است.

یکی از راهکارهای دیگری که دولت برای تأمین کسری بودجه خود پس از خروج آمریکا از برجام به اجرا درآورد و آن قطع رایانه بنزین و سه برابر کردن نرخ آن از ۱۰ هزار ریال به ۳۰ هزار برای بنزین آزاد و ۱۵۰ هزار ریال برای بنزین سهمیه‌ای در ۲۴ آبان ۱۳۹۸ (۱۵ نوامبر ۲۰۱۹) بود (Tasnim, 2019: 1) که اثر تورمی شدیدی داشت و نارضایتی‌های گسترده‌ای را به دنبال داشت. با این حال با شیوع کرونا و آغاز منع تردها، این ابتکار دولت، نتوانست از محل قطع یارانه بنزین و افزایش قیمت آن به کاهش کسری بودجه یاری برساند.

در ایران نیز همچون بسیاری از کشورهای دیگر، وضعیت اقتصادی در به قدرت رسیدن دولت‌ها مؤثر است. بر این اساس، دولتی اول رئیس‌جمهور روحانی (برآیند نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب و میانه‌رو) که در مرداد ۱۳۹۲ (آگوست ۲۰۱۳) روی کار آمد، وعده اصلی خود را رسیدن به توافقی هسته‌ای با غرب برای پایان دادن به تحریم‌های بین‌المللی اعلام کرده بود که با وجود حضور رئیس‌جمهور دموکرات باراک اوباما در آمریکا در ۲۰۱۵ به آن (برجام) نایل آمد

^۱. Financial Action Task Force (FATF)

^۲. Barak Obama

و نه تنها توانست تولید ناخالص داخلی ایران را از ۳۸۴,۹ در ۲۰۱۵ به ۴۴۵,۳ میلیارد دلار در ۲۰۱۷ برساند، بلکه توانست به طوری بی سابقه‌ای رقم تورم را در ۲۰۱۶ به ۹,۱٪ کاهش دهد. همین مسائل منجر به این شد که هم مجلس دوره دهم و ه شوراها در اختیار این نیروها قرار گیرد و هم روحانی برای دور دوم در مرداد ۱۳۹۶ (آگوست ۲۰۱۷) بتواند دولت دوم خود را تشکیل دهد. اما خروج آمریکا از برجام که یک شکست عمده برای این دولت محسوب می شود، کاهش رشد تولید ناخالص داخلی و افزایش تورم تا ۴۱٪ در ۲۰۱۹ و تشدید شیوع کوید-۱۹، از منظر سیاست داخلی از آن حکایت دارد که این نیروها از شانس زیادی برای رسیدن به قدرت در انتخابات سال ۱۴۰۰ برای ریاست جمهوری و شوراها برخوردار نباشند و چنانکه انتخابات مجلس دوره یازدهم نشان داد، قدرت در عرصه سیاست داخلی ایران، در اختیار نیروهای اصول گرا قرار گیرد که با هرگونه مذاکره با آمریکا مخالفند و سیاست نگاه به شرق، اتحاد با چین و روسیه را با جدیت دنبال می کنند. اما، حضور بایدن در کاخ سفید برای نیروهای میانه‌رو و اصلاح طلب یک فرصت به شمار می آید.

۳-۴- سیاست برجامی دولت بایدن و پیامدهای سیاسی و امنیت اقتصادی برای ایران

اگرچه در سال ۲۰۲۰، ترامپ تلاش کرد تا برجام را برای همیشه دفن کند، جو بایدن در تبلیغات انتخاباتی خود اعلام آمادگی کرده تا روح جدیدی به آن بخشد» (Lynch, 2020 B: 1). ترامپ در سال ۲۰۲۰، با اجرای یکجانبه سازوکار ماشه در برجام، تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران، به ویژه تحریم‌های قطعنامه ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) را بازگرداند، امری که نه تنها با مخالفت اعضای دیگر برجام روبه‌رو شد، بلکه هیچ وجهت قانونی نیز از منظر حقوق بین‌الملل نداشت و موجب انزوای بیشتر آمریکا در ملل متحد شد. البته دولت ترامپ تلاش کرده تا با استفاده از ابزارهای خود، بازگشت به برجام را تا حد ممکن ناشدنی کند. «برایان هوک زمانی در واکنش به وعده نامزدهای دموکرات برای بازگشت به برجام گفته بود: چیز زیادی از این توافق باقی نمی ماند که کسی بخواهد به آن بازگردد» (Alikhani, 2020: 82).

با قطعی شدن پیروزی بایدن در انتخابات ۲۰۲۰، وعده‌های وی شامل احیای برجام نیز می شود، اما مشخص نیست در این کار تا چه حد موفق باشد، چرا که حتی تعدادی از نمایندگان دموکرات نیز مخالف بازگشت آمریکا به برجام هستند و خواستار توافقی با ایران می باشند که نه تنها به نگرانی‌های هسته‌ای آمریکا درباره توان ایران پایان دهد، بلکه بتواند از نفوذ ایران در منطقه نیز بکاهد و سایر فعالیت‌های آن همچون توان موشکی را نیز دربرگیرد. بر این اساس، اگرچه «بایدن خواستار بازگشت به توافق برجام با ایران است، اما راه آسانی در پیش ندارد» (Erlanger, 2020: 1).

نتیجه‌گیری

خروج یکجانبه آمریکا از برجام توسط ترامپ با نقض قطعنامه ۱۹۲۹، موجب تضعیف جایگاه نهاد بین‌المللی حافظ صلح و ثبات جهانی، یعنی شورای امنیت ملل متحد بود، به طوری که در خود آمریکا نیز با مخالفت‌های بسیاری روبه‌رو شد. نقض این قطعنامه زمانی بیش‌ازپیش به نمایش گذاشته شد که این کشور، تحریم‌های یکجانبه‌ای را در چارچوب سیاست فشار حداکثری با پشت کردن به قوانین بین‌المللی، علیه ایران به اجرا گذارد. خروج آمریکا از برجام، برای خود این کشور هم دارای پیامدهای سیاسی و امنیتی بود؛ این خروج هم یکی از زمینه‌های تیره‌شدن روابط دوسوی آتلانتیک بود، هم امنیت را برای آمریکا در منطقه افزایش نداد و هم موجب نشد ایران بار دیگر به پای میز مذاکره بازگردد. اما از سوی دیگر، با اینکه ایران دست به مقاومت علیه فشارهای آمریکا زد، این خروج، برای جمهوری اسلامی نیز پیامدهای سیاسی و امنیتی اقتصادی زیادی در پی داشت.

در نهایت اینکه خروج آمریکا از برجام توسط ترامپ و به کارگیری سیاست فشار حداکثری که تا در آغاز دوره بایدن نیز از آن کاسته نشده، موجب شده است تا تهدیدات سیاسی و امنیتی اقتصادی در ابعاد مختلف داخلی و خارجی علیه ایران افزایش یافته، با افزایش برخوردها میان کشورهای منطقه خلیج فارس صلح و ثبات در منطقه به خطر افتد و ایران در نگاه به شرق به قدرت‌های بزرگ روسیه و چین نزدیک‌تر شود و از اروپا فاصله گیرد. ایران به جز نزدیک شدن به روسیه و چین، در راهبرد مقاومت خود، تلاش کرده نفوذ منطقه‌ای و توان موشکی خویش را افزایش دهد، راهبرد جدید هسته‌ای را در کاهش گام‌به‌گام تعهدات برجامی در پیش گیرد و با استفاده از اقتصاد مقاومتی، وابستگی به نفت را کاهش دهد. استفاده از این راهبردها، پیامد سیاست تهاجمی آمریکا در برابر ایران است و چنانکه واقع‌گرایان تهاجمی اعتقاد دارند، این ساختار است که ایران را نیز به اتخاذ چنین راهبردهایی برای افزایش قدرت خود وادار ساخته است.

References

1. Alikhani, M. (2020). The Study of Trump's Strategy of "Maximum Pressure" on Iran from "The Power to Coerce" Perspective. *International Studies Journal (ISJ)*, 17(1), 63-86. DOI: 10.22034/ISJ.2020.119268 (In Persian)
2. BBC (2018), Iran Nuclear Deal: Europe Strives to Keep Agreement. *BBC News Agency*, May 11, at: <https://www.bbc.com/news/world-europe-44090948>
3. Biglari, M., Araghi, A. (2015). Examining the Role of the United States in Starting and Continuing the Iraq War Against Iran and Ways to Avoid Surprises. *Defensive*

- Researches and Management*, 13(77), 157-182. **(In Persian)**
4. Bureau of Public Affairs Department of State (2011). The Office of Website Management, Comprehensive Iran Sanctions, Accountability and Divestment Act CISADA. *Press Release | Fact Sheet, U.S. Department of State*, May 23, at: <http://www.state.gov/e/eb/esc/iransanctions/docs/160710.htm>
 5. Congressional Research Service (2020). Iran Sanctions. *CRS Report*, November 18, at: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RS20871.pdf>
 6. Dehshiri, M., Mirkazemi, S. (2020). Scenarios ahead the Islamic Republic of Iran towards JCPOA after the US withdrawal. *Journal of Iran Future Studies*, 5(1), 163-187. doi: 10.30479/jfs.2020.11454.1125 **(In Persian)**
 7. Erlanger, S. (2020). Biden Wants to Rejoin Iran Nuclear Deal, but It Won't Be Easy. *The New York Times*, November 17, at: <https://www.nytimes.com/2020/11/17/world/middleeast/iran-biden-trump-nuclear-sanctions.html>
 8. Euronews Persian (2021). Seizure of a South Korean ship by the IRGC. January 1, at: <https://per.euronews.com/2021/01/04/iran-seizes-oil-tanker-south-korea-sends-anti-piracy-unit-to-persian-gulf>
 9. Fitzpatrick, M. (2020). Two Years After JCPOA Withdrawal, Americans are Less Safe, the Middle East Less Peaceful. *IISS*, 12 May, at: <https://www.iiss.org/blogs/survival-blog/2020/05/jcpoa-withdrawal-pompeo-statement>
 10. *Gov Track US* (2014). Iran and Libya Sanctions Act of 1996 (1996 .R. 3107). March 21, at: <https://www.govtrack.us/congress/bills/104/hr3107>
 11. Hedayati Shahidani, M., Ramazanpoor Shalmani, J. (2019). U.S. approach to China's Continued Economic-Military Development (Case Study: Donald Trump Presidency). *International Studies Journal (ISJ)*, 16(2), 71-91. DOI: 10.22034/isj.2019.99673
 12. IMF (2020). IMF Data Mapper, October 29, at: <https://www.imf.org/en/Countries/IRN>
 13. Immenkamp, B. (2020). EU-Iran: The Way Forward - Can the JCPOA Survive the Trump Presidency?. European Parliament Research Service (EPRS), 7 July, 1-12, at: [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2020/652001/EPRS_BRI\(2020\)_652001_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2020/652001/EPRS_BRI(2020)_652001_EN.pdf)
 14. *International Monetary Fund* (2020), Crude Oil Exports for Iran. December 27, at: <https://fred.stlouisfed.org/series/IRNXXGOCMBD>

15. Iran Economic Monitor (2020). *World Bank Group*, Spring, at: <http://documents1.worldbank.org/curated/en/676781543436287317/pdf/Iran-Economic-Monitor-Weathering-Economic-Challenges.pdf>
16. Iran Supreme Leader (2021). Statement in a televised speech on the anniversary of the uprising of 19 January. *Official Site of Iran Supreme Leader*, January 19, at: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1932#91974>
17. Khorasani Esmaeili, P., Azhdari, B., Masomi, M. (2019). Outward Balancing of Saudi Arabia's New Leadership Against the Islamic Republic of Iran. *International Studies Journal (ISJ)*, 16(3), 113-147. doi: 10.22034/isj.2019.108371 **(In Persian)**
18. Lynch, C. (2020 A). Anatomy of an Accidental Shootdown. *Foreign Policy*, January 13, at: <https://foreignpolicy.com/2020/01/17/accidental-shutdown-iran-united-states-ukraine/>
19. Lynch, C. (2020 B). Iran: Maximum Pressure, Minimum Gain, *Foreign Policy*, December 2020, at: <https://foreignpolicy.com/2020/12/23/iran-maximum-pressure-trump-policy/>
20. Macaluso, A. (2015). Economic Sanctions Inequality in the US-Iran Nuclear Negotiations. *The Hague Institute for Global Justice*, at: <https://www.thehagueinstituteforglobaljustice.org/wp-content/uploads/2015/11/Economic-Sanctions-Inequality-in-US-Iran-Nuclear-Negotiations.pdf>
21. Martosko, D. (2015). EXCLUSIVE: Trump Trademarked Slogan 'Make America Great Again' just DAYS after the 2012 Election and Says Ted Cruz has Agreed not to Use It Again after Scott Walker Booms It TWICE in Speech. *Daily Mail*, May 12, at: <https://www.dailymail.co.uk/news/article-3077773/Trump-trademarked-slogan-Make-America-Great-just-DAYS-2012-election-says-Ted-Cruz-agreed-not-use-Scott-Walker-booms-TWICE-speech.html>
22. Mearsheimer, J. J. (2014). *The Tragedy of Great Power Politics*. Updated edition, New York: W. W. Norton & Company.
23. Mohammadi, M., Javdani Moghadam, M. (2020). Assessing Iran's Position in Putin's Eurasian Doctrine (2012 -2020). *Journal of Political Strategy*, 3(11), 1-23. **(In Persian)**
24. *OPEC* (2019). Iran Crude Oil: Exports. December 28, at:

- <https://www.ceicdata.com/en/indicator/iran/crude-oil-exports>
25. OPEC Oil Price Annually (2021). Average Annual OPEC Oil Price from 1960 to 2021. Statista, January 1, at: <https://www.statista.com/statistics/262858/change-in-opec-crude-oil-prices-since-1960/>
26. Pribadi, W. A. (2013). On Structural Theories of International Relations: Examining Waltzian Structural Realism and Wallerstein's World System Theory. *Journal Hubungan Internasional*, 2(1), 25-34. DOI: 10.18196/hi.2013.0024.25-34
27. Rohani, H. (2019). The United States Made a Big Mistake by Leaving JCPOA. *Foreign Ministry of I.R. Iran*, October 14, at: <https://mfa.gov.ir/portal/newsview/546080/>
28. Rome, H. (2020). Sanctions 3: Iran's Economy in 2020. United States Institute of Peace, December 16, at: <https://iranprimer.usip.org/blog/2020/dec/16/irans-economy-2020>
29. Sajedi, A., Sajedi, S. (2019). America's Exit from Joint Comprehensive Plan of Action and Turbulence in Iran's economy. *Research Letter of International Relations*, 12(46), 123-155. doi: DOR:20.1001.1.24234974.1398.12.46.4.7 **(In Persian)**
30. Salehi, A., Dehshiri, M., Hajimineh, R. (2019). The Legal-Political Nature of the United States Exit of the Joint Comprehensive Plan of Action. *Journal of Political Strategy*, 3(9), 133-154. **(In Persian)**
31. Shiping, T. (2015). From Offensive Realism to Defensive Realism: A Social Evolutionary Interpretation of China's Security Strategy. In: Art, R., *China's Ascent*, New York: Cornell University Press, Chapter 6, 141-162, DOI: <https://doi.org/10.7591/9780801456992-009>
32. Tasnim (2019). Gasoline Quotas Have Started. *Tasnim News Agency*, November 15, at: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/08/24/2140705/> **(In Persian)**
33. Tasnim (2020). Report | A Look at Iran's 5 Steps in Reducing JCPOA Obligations. *Tasnim News Agency*, May 8, at: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/02/18/2258434/> **(In Persian)**
34. The Law Was Only Approved One Year Later (2005). S.333 - 109th US Congress (2005-2006): Iran Freedom and Support Act. *Legislation*, at: <https://beta.congress.gov/bill/109thcongress/>
35. The World Bank (2020). GDP (current US\$) - Iran, Islamic Rep. *World Bank*, 13

- November, at: <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD?locations=IR>
36. Torbat, A. E. (2005). Impacts of the US Trade and Financial Sanctions on Iran. *World Economy*, 28(3), at: <http://www.defenddemocracy.org/united-states-sanctions>
37. *United Nations Security Council* (2015). Resolution 2231 (2015) on Iran Nuclear Issue, 14 July, at: <https://www.un.org/securitycouncil/content/2231/background>
38. US Department of State (2011). Background Briefing on the Recently Announced Sanctions on Iran. *Special Briefing*, November 21, at: <http://www.state.gov/r/pa/prs/ps/2011/11/177613.htm>
39. *US Department of State* (2021). Iran Sanctions. February 3, at: <https://www.state.gov/iran-sanctions/>
40. US Department of the Treasury (2011). Fact Sheet: New Sanctions on Iran. at: <http://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/tg1367.aspx>
41. Wong, E. (2019). Trump Administration Says It Will Negotiate with Iran with 'No Preconditions'. *The New York Times*, June 2, at: <https://www.nytimes.com/2019/06/02/world/middleeast/us-iran-mike-pompeo.html>
42. Zamani, M., Niyakuei, S. (2019). A Survey on the Factors Affecting the Exit of the United States from the JCPOA. *Research Letter of International Relations*, 12(45), 85-110. DOR: 20.1001.1.24234974.1398.12.45.4.5 (In Persian)